

بررسی

وضعیت فعلی، مشکلات، چالش‌ها، برنامه‌ها و تغییرات کتاب‌های درسی فارسی

در گفت‌وگو با گروه زبان و ادبیات فارسی دفتر تألیف کتاب‌های درسی

جوهر مؤذنی

اشاره

گروه زبان و ادبیات فارسی به دلیل گستره کار فراوان و تنوع موضوع‌های زبان و ادبیات فارسی، گروهی پرکار و پرکتاب است و از گذشته تاکنون تکاپوهای زیادی برای خلق فضاهای تازه و بهره‌گیری از همه ظرفیت‌ها و تجربه‌ها داشته است. تا رسیدن به کتاب آرمانی همیشه فاصله وجود دارد و با توجه به انتظاراتی که هست باید این فاصله را کمتر کنیم. گروه زبان و ادبیات فارسی به همت خانم دکتر **ملاحت نجفی** گام‌های بزرگی را در برابر تنوع خواسته‌ها و ذائقه‌های مخاطبان (خانواده‌های دانش‌آموزان و معلمان) برداشته است. خواندن این گفت‌وگو، که در پنجم آذرماه سال ۱۴۰۲ انجام شده، فرصتی است برای آشنایی بیشتر با ابعاد فعالیت‌ها و برنامه‌های گروه زبان و ادبیات فارسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی.

از این به بعد قرار است آموزش و پرورش برنامه‌محور باشد نه کتاب‌محور؛ یعنی برنامه درسی در مدرسه‌ها اجرا شود و فقط منحصر به کتاب درسی نباشد. در واقع تولید بسته‌های تربیت و یادگیری در سطح مدرسه‌ها مورد نظر است که کتاب درسی تنها یکی از بخش‌های آن است. بخش‌های دیگر آن، کتاب راهنمای معلم، کتاب راهنمای خانواده، راهنمای مربیان و مدیران است. البته هنوز عناوین و محتوای دقیق بسته‌های تربیت و یادگیری مشخص نیست. یعنی حتی ممکن است که این بسته‌ها به صورت تلفیقی باشد. یعنی عنوان‌های درسی را محدودتر و با رشته‌هایی که مادر و مینا هستند تلفیق کنند.

جلسه‌های متعددی با متخصصان تعلیم و تربیت و کارشناسان و استادان دانشگاه‌ها گذاشته شده تا در نهایت تصمیم گرفته شود که این بسته‌ها یک بسته واحد باشند یا تلفیقی. اما هنوز نتیجه این جلسه‌ها مشخص نیست. با توجه به نیاز دانش‌آموزان و مدرسه‌ها به کتاب درسی در ابتدای هر سال تحصیلی، آنچه در کنار بازنگری باید مورد توجه گروه باشد به روز کردن کتاب درسی متناسب با نیاز کنونی دانش‌آموزان است و این دومین

هویت دوره‌های تحصیلی و شایستگی‌های عمومی و براساس آن طرح درس اولیه، برنامه‌های حوزه‌ها را بازنگری می‌کنیم. فعلاً این مهم‌ترین کاری است که در دست گروه ادبیات است.

مبنای کار برای نگارش برنامه‌های حوزه‌های تربیت و یادگیری، براساس برنامه‌ها و اسناد بالادستی مانند برنامه درسی ملی، سند تحول بنیادین و ساحت‌های تربیتی بوده است. نکاشت اول حوزه‌های تربیت و یادگیری در انتهای سال ۱۳۹۹ برای دوره‌های تحصیلی به اتمام رسید. چون قبلاً در حد دوره‌ها ثبت شده و تاکنون به حد پایه نرسیده است، اکنون می‌خواهیم یک برنامه عملیاتی را با توجه به آن اسناد برای پایه‌ها بنویسیم.

دکتر محمدرضا سنگری: در حال حاضر وضعیت گروه زبان و ادبیات فارسی چگونه است و شما با چه مسائلی مواجه هستید؟

دکتر ملاحت نجفی: گروه زبان و ادبیات فارسی در چند مسیر متفاوت گام برداشته است و اکنون در مرحله بازنگری برنامه درسی است. سازمان پژوهش طرح‌واره‌ای را براساس برنامه‌های حوزه‌های تربیت و یادگیری، که یازده مورد است، برای تألیف کتاب‌های درسی جدید پیگیری می‌کند که در سال ۱۳۹۹ به شورای عالی رفته و ایراداتی به آن گرفته شده و برگشته است و حالا دفتر تألیف شایستگی‌های عمومی و هویت دوره‌ها را هم به آن گروه زده است؛ یعنی در اولین قدم، با توجه به



دکتر محمدرضا سنگری: گاهی

دانش‌آموزان و معلمان متن‌هایی را می‌نویسند که می‌تواند در کتاب درسی قرار بگیرد. آیا در مواردی که فرمودید و اقداماتی که صورت گرفته از ظرفیت دانش‌آموزان و معلمان استفاده شده؟ و از طرف گروه زبان و ادبیات از معلمان و همکاران همه‌استان‌ها برای تولید متن در موضوع‌های مشخص دعوت شده است؟

دکتر ملاحبت نجفی: اتفاقاً یکی از

خواسته‌های ما این بوده که از ظرفیت معلمان و دانش‌آموزان و حتی از مجله رشد استفاده کنیم و متن‌هایی را که به نظر معلمان زیباست جمع‌آوری کنیم و در کتاب درسی به کار ببریم. اما گام اولی که در این زمینه برداشته شد و البته فعلاً مربوط به دوره ابتدایی است، این است که دفتر تألیف، فراخوانی به معلمان سرآمد و سرگروه‌های آموزشی سه استان البرز و تهران و شهرستان‌های تهران داد و دوره‌ای را هم تحت‌عنوان تربیت مؤلف گذاشت. با توجه به زمینه و تخصصی که این معلمان داشتند سه دوره و جلسه در دارالفنون گذاشته شد. البته این جلسه‌ها و دوره‌ها تازه شروع شده و هم‌اکنون هم در حال برگزاری است و همچنان ادامه دارد.

پرداختیم. همچنین در این بخش، توجه آن‌ها را علاوه بر متن به سایر قسمت‌های درس مانند تصویر و ... هم جلب کردیم. مثلاً در درس دریاقلی در کتاب پایه پنجم از دانش‌آموزان پرسیدیم چرا دریاقلی اخم کرده بود. یا در درس دهخدا برای آشنایی دانش‌آموزان با لغت‌نامه تصویر آن را گذاشتیم و نمونه دست‌خط دهخدا را آوردیم.

در پایه دوم و سوم ابتدایی هم همین گام‌ها برداشته شده است. برای مثال در «بخوان و بیندیش» های فارسی دوم برای اینکه دانش‌آموزان با بخش‌هایی از متن مواجه شوند و سؤالاتشان را پاسخ دهند تا ذهنشان برای بخش بعدی آماده شود، «ایستگاه‌های اندیشه» را گذاشتیم. همچنین نظر و احساس دانش‌آموز را درباره متن پرسیدیم. این یک نیازسنجی است برای گام‌های بعدی. همچنین باعث می‌شود دلیل انتخاب‌های دانش‌آموزان را متوجه شویم تا در ادامه در آن مسیر گام برداریم.

برای افزایش تمرکز دانش‌آموزان فعالیت‌هایی برای «صامت‌خوانی» و «خلاصه‌نویسی» گذاشتیم. اینکه دانش‌آموز زیر کلمه‌ها و جمله‌های مهم خط بکشد و به کمک این کلمه‌ها و جمله‌ها خلاصه درس را طوری بازگو کند که همه بخش‌های مهم را دربر داشته باشد. به این وسیله گام‌هایی را برای افزایش تمرکز دانش‌آموزان برداشتیم.

قدم گروه ادبیات است. در دوره ابتدایی و دوره متوسطه اول هم قدم‌هایی برداشتیم. گام سومی که سال گذشته با همکاری فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی برداشته شد این بود که متن‌هایی را برای حفظ و پاسداشت زبان فارسی وارد کتاب‌های درسی دانش‌آموزان کنیم. به این منظور در دوره متوسطه اول در بخش روان‌خوانی، درس‌های آزاد پایه هفتم مشابه این کار را داشتیم. برای آشنایی دانش‌آموزان با ریشه بعضی از کلمه‌های فارسی برخی متن‌ها را از کشورهای فارسی‌زبان مانند تاجیکستان وارد کتاب درسی آن‌ها کردیم. و بین زبان فارسی و زبان‌های محلی پیوندی ایجاد کردیم. مثلاً تحت‌عنوان «نام‌ها و جای‌ها» متن‌های کوتاهی را وارد کردیم که با منشأ و ریشه بعضی از کلمه‌های فارسی آشنا بشوند.

در فارسی پایه ششم در «درس آزاد»، برای آشنایی دانش‌آموزان با «زبان‌های محلی» از دانش‌آموزان خواسته شد که واژه‌های محلی و بومی محل زندگی خود را بنویسند. بعضی از دانش‌آموزان ما در خواندن صحیح واژه‌ها دچار مشکل هستند. در بخش «درک مطلب»، به تلفظ و خواندن صحیح برخی واژه‌ها در زبان‌های محلی، برای بالابردن تمرکز و سواد خواندن دانش‌آموزان و تغییر مواجهه آن‌ها با متن

سی کشور و آشنایی با برنامه درسی آن‌ها)، استفاده از تجربه آموزشی هفتاد سال گذشته ایران و بهره‌گیری از تجربه‌های آموزشی و موفق معلمان.

بانک سوم، بانک متن و جمع‌آوری متن توسط معلمان و دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌هاست.

ما باید ذائقه نسلی را هم در نظر بگیریم. مدتی پیش وقتی در هفته کتاب در یکی از مدرسه‌ها برای دانش‌آموزان پنجم و ششم ابتدایی درباره کتاب درسی صحبت می‌کردم به آن‌ها گفتم از بین کتاب‌هایی که تا به حال خوانده‌اید چه کتاب‌هایی را پیشنهاد می‌دهید؟ عمده کتاب‌هایی که دانش‌آموزان پیشنهاد کردند داستان‌هایی بود که هرگز به کتاب‌های درسی راه پیدا نکرده بود.

به‌طور قطع متن کم نیست. گاهی با جست‌وجو متن‌هایی پیدا می‌شوند که موفق‌تر از متن‌های کتاب درسی است. البته با در نظر گرفتن برنامه درسی و محدودیت‌هایی که در آن وجود دارد و برخی از معلمان و همکاران از آن بی‌اطلاع‌اند.

در اینجا لازم است چند نکته را عرض کنم. اولاً از زمانی که بحث تلفیق مطرح شد دچار یک تعارض شده‌ایم که اگر قرار است تلفیق اتفاق بیفتد، باید کرانه‌ها و مرزهای آن را در نظر بگیریم؛ یعنی مثلاً تا پایه پنجم. در نهایت تلفیق اتفاق افتاد؛ اما کتاب‌ها همچنان مستقل بودند و ارتباط لازم در بین آن‌ها صورت نگرفته بود.

نکته دوم، ابداع و خلاقیتی که در درس آزاد اتفاق افتاد با چند هدف همراه بود: هدف اول، مؤلف‌پروری بود، یعنی خود دانش‌آموز بتواند بنویسد. البته می‌تواند با کمک پدر و مادرش هم این کار را انجام دهد. در نتیجه دانش‌آموزان می‌توانند بعد از اینکه درس آزاد را تولید کردند اسم خود را هم در کنار مؤلفان بنویسند. هدف دوم، برطرف کردن کاستی‌های کتاب. یعنی برای جبران موضوع‌ها و درس‌هایی که معلمان یا دانش‌آموزان دوست داشتند در کتاب باشد اما نیست. به عبارت دیگر درس آزاد پاسخی به «ای کاش» معلمان



دکتر ملاحح نجفی

شناخت تعبیرهای کنایی شاهنامه، علاوه بر اینکه در سبک‌شناسی این اثر اهمیت دارد، بازگوکننده تسلط هنری و زبانی سراینده آن بر زبان فارسی نیز هست

همکاران متن‌خواهی کردیم، روند کار بسیار کند و دشوار بود. از طرفی با وجود محدودیت‌های زیادی چون حجم و صفحه، مجبور بودیم مطالبی را هم که از بیرون دفتر تألیف توسط ارگان‌ها و نهادهای متفاوت به ما پیشنهاد می‌شد در کتاب درسی بگنجانیم.

برای تألیف و تغییر و تحول در کتاب‌های درسی به سه بانک نیاز داریم: اولین بانک، بانک اطلاعات استادان و معلمان شاخص و توانمند هر استان است.

بانک دوم، بانک تجربه‌هاست. تجربه‌نگاری در ایران بسیار کم است. جمع‌آوری تجربه معلمان در این زمینه بسیار کمک‌کننده است. در زمان تألیف کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی برای تجربه سه‌رکن را در نظر گرفتیم: تجربه‌های جهانی (با رفتن به

در این جلسه‌ها رویکردهای برنامه درسی و عناصری که در آن است برای معلمان تبیین شد (مثلاً رویکرد برنامه درسی ادبیات ارتباطی است و با سایر رشته‌ها متفاوت است). همچنین مرحله‌های کار در تألیف کتاب درسی توضیح داده شد. سپس هدف‌ها و عنصرها و محتوای برنامه درسی مانند کتاب‌ها، نقش خانواده و مربیان، دانش‌آموزان، ارزشیابی و محیط تربیت و یادگیری توضیح داده شد. در نتیجه معلمان به‌طور اجمالی در جریان برنامه درسی قرار گرفتند. متخصصان به معلمان آموزش دادند که ما در هر گروه برنامه‌ای داریم و کتاب درسی براساس آن برنامه باید نوشته شود تا اینکه این معلمان بتوانند در کنار مؤلفان قرار بگیرند و در اعتبارسنجی و تولید و تألیف کتاب درسی به گروه کمک کنند. از معلمانی که در این دوره‌ها شرکت می‌کنند انتظار داریم تسلط و خلاقیت بیشتری داشته باشند و شیوه‌ها و راهکارهای جدید و بهتری را به ما نشان بدهند. از طریق این معلمان یا دانش‌آموزان هم می‌توانیم با دبیرخانه‌های راهبری کشور هم در ارتباط باشیم. آن‌ها نظرهای سرگروه‌های آموزشی و معلمان مناطق را به ما ارجاع می‌دهند.

دکتر محمدرضا سنگری: این کار خیلی سخت است. در آن زمان که می‌خواستیم تغییر و تحول در کتاب‌های دوره راهنمایی (یا دوره اول متوسطه) ایجاد کنیم از

و دانش‌آموزان است. هدف سوم، همین مسئله استفاده از زبان‌های محلی و فرهنگ بومی در کتاب درسی است. مرحوم **دکتر حسن حبیبی**، با اینکه خودشان از نگارندگان و تصویب‌کنندگان قانون اساسی بودند و بعداً هم مسئول فرهنگستان شدند، می‌گفتند این اصل قانون اساسی که در آموزش از زبان و فرهنگ محلی می‌توان استفاده کرد، مشکلات زیادی را برایشان ایجاد کرده است. من به ایشان گفتم که این مشکل را می‌توان به این شکل حل کرد که دانش‌آموزان درس آزاد را درباره فرهنگ بومی و به زبان محلی خود بنویسند. به‌طور مثال ممکن است معلمان و دانش‌آموزان در منطقه خود شاعران و نویسندگانی داشته باشند که با وجود بزرگانی چون **حافظ و سعدی** مجال بروز و ظهور در کتاب درسی را پیدا نمی‌کنند این‌ها از درس آزاد برای معرفی نویسنده محلی خودشان می‌توانند استفاده کنند.

در حالی که دانش‌آموزان زبان را به کار می‌گیرند؛ ما به میزان زیادی «زبان آگاهی» که نام دیگر آن «دستور زبان» است به آن‌ها آموزش می‌دهیم، اما خود زبان را معرفی نمی‌کنیم. ارزش‌ها، زیبایی‌ها و ویژگی‌های زبان فارسی و اینکه چرا ما باید این زبان را حفظ کنیم و دوست بداریم و از جمله مواردی است که بهتر است در متوسطه دوم مطرح شود. امروزه زبان‌ها در خطرند و اگر زبان رنگ ببازد، هویت و فرهنگ رنگ می‌بازد. دانش‌آموز باید بداند که چرا زبان فارسی زبان بهشتیان است. باید بفهمد آیا این سخن ناشی از حس ملی‌گرایانه ماست و یا اینکه واقعاً هیچ‌زبانی به اندازه زبان فارسی ظرفیت ندارد. دانش‌آموز ما باید بداند که زبان فارسی تنها زبانی است که هم قدرت خلق واژه را دارد، هم قدرت ترکیب و هم دارای پیشوند و پسوند است. دانش‌آموز باید درک کند که چرا این زبان خوش‌آهنگ‌ترین زبان جهان است.

دانش‌آموزان ما باید درباره زبان فارسی تحقیق و پژوهش کنند. باید ببینند آیا این زبان می‌تواند زبان علوم باشد، آیا با این زبان می‌توان برای تمام علوم معادل‌سازی واژگانی کرد، آیا امروزه این زبان می‌تواند

یک زبان بین‌المللی باشد و آیا می‌توان با این زبان در هر جای دنیا تکلم کرد. این‌ها را باید دانش‌آموز دوره متوسطه بداند. بخشی از زبان آگاهی و دستور زبان فارسی را هم می‌توان به دوره دانشگاه سپرد.

بعضی می‌گویند کتاب‌های درسی ادبیات خیلی دینی شده است. اما در جواب باید

به جای آن به چیز دیگری بپردازیم. در واقع بین دو گروه نوعی تقسیم کار صورت بگیرد تا تکرار و دلزدگی ناشی از آن صورت نگیرد. قبلاً وقتی گروه دینی شعری را می‌خواست در کتاب درسی بیاورد با گروه ادبیات مشورت می‌کرد که مبادا آن شعر از نظر ادبی نقضی داشته باشد.

یکی از اتهاماتی که بعضی از معلمان و خانواده‌ها به کتاب‌های فارسی وارد

دکتر محمدحسین نجفی

گفت: از گذشته تا به حال جان و روح ادبیات همین ارزش‌های دینی و مذهبی بوده است. در آثار بزرگ تاریخی هم این آمیختگی و یگانگی وجود دارد. **مثنوی**

مولوی و دیوان حافظ و سعدی هم مملو از آیات قرآن و روایت‌هایی است. اتفاق تازه‌ای را رقم نزنه‌ایم، بلکه در سیر تاریخ ادبیات ما این اتفاق افتاده است. اما چون درس ادبیات است مطالب دینی و مذهبی را باید با زبان ادبیات بیان کنیم. یعنی از ظرفیت‌های ادبی مانند تمثیل و داستان و شعر بهره‌گیری کنیم. گاهی اوقات به‌طور مستقیم احساس نمی‌شود که چه می‌گوییم اما رسوب نهایی این متن در جان دانش‌آموز به‌صورت یک ارزش اخلاقی مانند خودباوری، فداکاری، گذشت، کمک و همیاری است.

سومین نکته، تعامل گروه زبان و ادبیات فارسی با گروه دینی است که اگر چیزی را آن‌ها مطرح می‌کنند دیگر ما همان چیز را حتی با زبان ادبی مطرح نکنیم و ترجیحاً

می‌کنند این است که می‌گویند کتاب فارسی خیلی دینی است. به نظر شما این حرف چقدر درست است و چه پاسخی برایش وجود دارد؟ در ادامه درباره فناوری در کتاب‌های درسی هم اگر نکته‌ای هست ذکر کنید.

دکتر محمدحسین نجفی: اگر کل کتاب‌های ادبیات را از گذشته تا حال ببینیم متوجه می‌شویم که ارتباط تنگاتنگی بین فارسی و دین وجود دارد. نویسندگان و شاعران اغلب حکیم بودند و حکمت چیزی جدا از دین و مذهب نیست. پس ما مجبوریم و باید از دین در کتاب درسی فارسی استفاده کنیم؛ اما من معتقدم که باز هم بهتر است در درس‌های کتاب‌های جدیدالتألیف، در بیان بعضی مسائل دینی و حکمت‌ها شعارزده عمل نکنیم. یا حداقل



آن‌ها را با زبان ادبی‌تری بیان کنیم. متأسفانه در کتاب‌های درسی فعلی زیاد امکان تغییر وجود ندارد. چون با اندک تغییر در کتاب‌های درسی فعلی، بعضی از افراد برای مثال می‌گویند: «امام زمان را از کتاب درسی حذف کردند. این مؤلفان می‌خواهند نقش دین را کم‌رنگ کنند و ...».

درباره فناوری در کتاب‌های درسی هم سال گذشته برخی مطالب مربوط به رسانه را به دانش‌آموزان اطلاع‌رسانی کردیم. به‌طور مثال این موضوع را از طریق پویبش رمزینه مطالب کتاب درسی ببینند. هر خبری را که می‌شنوند باور نکنند و به دنبال پیدا کردن صحت یا سقم آن باشند. این قسمت را به برنامه‌نهایی شده اسفندماه اضافه کردیم؛ اما هنوز جای کار دارد. بخشی از آن را هم در برنامه راهنمای معلم اضافه کردیم. همچنین در بخش «فرصت‌های یادگیری». دانش‌آموزان از سال‌های قبل از ابتدایی هم با ابزار آشنا هستند، پس نباید فقط متن کتاب باشد. به‌طور مثال ۲۴ داستان دو صفحه‌ای در وبگاه رشد آمده است که ما از آن‌ها در کتاب درسی استفاده کردیم. البته با اسکن رمزینه هم تا اندازه‌ای به این هدف رسیدیم. در سال‌های اخیر اتفاقاتی افتاد که فهمیدیم نباید در حوزه رسانه عقب‌نشینی کنیم. «سواد رسانه» را در پایه ششم اضافه کردیم که فریب رسانه را نخورند. به‌طور مثال در درس «گلدان خالی» از دانش‌آموزان پرسیدیم: به نظر شما زمانی که فلان مسئله رخ داد، اگر رادیو این قضیه را پوشش خبری می‌داد در پایان چه اتفاقی می‌افتاد؟

دکتر ملاحح نجفی: اینکه دانش‌آموز مطلبی را هم در کتاب هدیه‌های آسمانی بخواند و هم در کتاب فارسی چندان جالب نیست. در مطالعه تطبیقی بین گروه‌ها مشخص شد که خیلی از مطلب‌ها و شعرها و آیه‌ها در کتاب‌های متفاوت مانند هم تکرار شده بود که در سال گذشته سعی کردیم موردهای تکراری را اصلاح کنیم و کاهش بدهیم. چاره پیشنهادی دفتر این بود که زمان نوشتن برنامه‌ها، برنامه‌ه‌ها را در کنار هم بررسی کنیم که محتوای تکراری نداشته باشند. یعنی این برنامه‌ها باید مکمل هم باشند نه اینکه در موازات هم قرار بگیرند.

دکتر محمدرضا سنگری: در این زمینه مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی به‌طور کامل پشتیبان شماست. ما برای اطلاع‌رسانی به دبیران

و اعلام این مطلب که معلمان براساس محورها و موضوع‌هایی که گروه ادبیات مشخص می‌کند، متن تولید کنند، آماده‌ایم. قبلاً در انتهای کتاب درسی کتاب‌هایی را معرفی می‌کردیم. آیا هنوز هم این بخش وجود دارد؟

دکتر ملاحح نجفی: خیر؛ برداشته شده. دلیل آن را هم در ادامه عرض می‌کنم. یکی از گام‌هایی که از دو سال پیش برداشتیم این بوده که با نویسندگان و مترجمان و تصویرگران کتاب کودک و نوجوان یک کارگروه انتخاب کتاب مناسب راه انداختیم. فراخوانی هم به انتشاراتی‌ها دادیم. کتاب‌هایی را که در مسابقات متفاوت مانند کتاب فجر و کتاب سال، برنده شده بودند (مثلاً کتاب لاک پشت پرنده) سپس کتاب‌های مناسب سن دانش‌آموزان را گزینش کردیم و مشخص کردیم که هر کدام چه ساحت‌هایی از تعلیم و تربیت را دارا هستند. به‌طور مثال بعضی از این کتاب‌ها چه ساحتی بودند. این کتاب‌ها را بررسی کردیم. این کتاب‌ها را اعضای کارگروه مطالعه می‌کنند و سپس از جهت‌های متعدد مانند مسائل اخلاقی و تصویر و ... نقد آن را پویبش (اسکن) می‌کنیم. نام کتاب‌ها همراه با تصویر و خلاصه آن‌ها نشان داده می‌شود. ما در کتاب اول تا پنجم ابتدایی این کار را کرده‌ایم و از دانش‌آموزان خواسته‌ایم که خلاصه این کتاب‌ها را بنویسند.

دکتر محمدرضا سنگری: بسیار خوب است اما چون بعد از گذشت چند سال کهنه می‌شوند پیشنهاد می‌کنم نه فقط در انتهای کتاب بلکه بهتر است در پایان هر درس هم دو یا چند کتابی را که با همان درس پیوند مفهومی و محتوایی دارند معرفی کنیم. در انتهای این جلسه به شما خدا قوت می‌گویم. جایگاه گروه زبان و ادبیات فارسی بسیار والا و متعالی است. کار خوب، خوب است؛ اما کارهای سخت ارزشمندترند. از خدا می‌خواهم عنایت و کمک و لطفش مثل همیشه در تألیف برنامه و کتاب‌های درسی فارسی همراه شما باشد.